گفت وگو باسید احمدالحسن ع در پالتاک، جمعه9رمضان1436

https://www.youtube.com/attribution\_link?a=wYPDuw-zKIs&u=%2Fwatch%3Fv%3DC5yZEQGQZ00%26feature%3Dshare

مجری برنامه/استاد علی عاملی: بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله وصلى الله على محمد وآل محمد الائمة والمهديين وسلم تسليماً

سلام برآل محمدِپاک

سلام برشیعیان وانصارشان، در هرمکان

دوستان عزیزحاضر، سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

خداوند روزه شما و(شب)زنده داری شما وبقیه اعمال تان را قبول کند، وپاداش شمارا ثابت کند.

امروز جمعه است، 9ماه مبارک رمضان سال1436 ه، موافق 26 ژوئن 2015م

خوش بختیم وشرف یاب شدیم که مهمان این قسمت(ازبرنامه)امشب ما، امام سیداحمدالحسن ع است.

برای اطلاع می گویم همچنین همراه من برادر، د.علاء سالم، برای همکاری وطرح سوالات به سیدیمانی -حفظه الله- می باشد.

یمانی آل محمد، سیداحمدالحسن ع خوش آمدی بین انصار، ازشمامتشکریم که دعوت مدیریت برنامه " حقیقت همان گونه که می باشد " را -علاوه برمشکلاتی که داری- قبول نمودی، خدابه شما کمک کند وشمارا از هربدی محافظت کند.

درابتدا دوست داریم به سخنی که افرادی که الان سخن شما را می شنوند گوش دهیم...مولای من بفرمایید.

امام ع: بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين الائمة والمهديين وسلم تسليما . سلام عليكم ورحمة الله وبركاته، (ان شاء الله)هرسال در خوبی باشید، واز خداوند می خواهم که این روزهای مبارک را(به سودشماو)برای شمابرگرداند، واین که شمارا از خوشبخت ترین بندگان نزد خودش قرار بدهد، وهرخوبی راسوی شما روان داردو هربدی را از شما دور کند، بافضل ومنت خود -سبحانه وتعالی-

اولا دوست دارم -به خاطر این دعوت کریمه- ازشماتشکرکنم، وخوشبختم که امروز باشماهستم، تا به(سخنان)شما گوش دهم وبه سوالات شماپاسخ دهم. ان شاء الله اگرصدابرای شماواضح است می توانید سوالات را مطرح کنید، مایک برای شما وان شاء الله در خدمت شماهستم.

د.علاء سالم: بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين الائمة والمهديين وسلم تسليما كثيرا. سلام عليكم ورحمة الله وبركاته، امام وسید ما، سیداحمدالحسن، وبقیه انصارمحترم ومهمانان، به این اتاق مبارک(پالتاک)خوش آمدید.

"طَرِبتُ وما شَوْقاً إلى البيضِ أّطْرَبُ ولا لَعِباً مِنّي ا ذو الشيب يَلْعَبُ

ولكِن إلى أهْلِ الفَضائِلِ و النٌّــهى و خَيْرُ بني حؤّاء و الخيرُ يُطْلَبُ

إِلى النّفَرِ البيضِ الّذين بِـــــحُبِّهِمْ إلى الله فيـــــــــما نالَني أَتَقَرّبُ

بني هاشِمٍ رَهْــــــطُ النَّبِيِّ فَإِنَّني بِهِم وَ لَهُم أَرْضى مِراراً و أَغْضَبُ

خفضت لهم مني جناحَي مـودةٍ إلى كنف عِطفاه أهلٌ ومـرحبُ "

سید ما خوش آمدی، سوال اول این است: شما دعوت خدا رابه تنهایی آغاز نمودی، والان به فضل خداوند -تبارک وتعالی- اُمَتّی شدید، وانصار دعوت مبارک یمانی در همه نقاط زمین پخش شده اند، آیا می توانیم باگوشه ای از آغاز دعوت الهی، آشناشویم، وسختی هایی که آن مرحله داشت؛ واگرامکان دارد، بعضی از دلایل واسبابی که درنهایت باعث شد شما از مومنین درمدت زمانی دور شوید، را بیان نمایید.

سید بفرمایید، مایک برای شما، به همراه صلوات برمحمدوآل محمد.

امام ع: ان شاء الله صدا واضح است؟ درحقیقت برای من سخن ازتفاصیلِ بسیار، سخت است، چون وقت محدود است، وما، در آن زمان بااتفاقات بسیاری روبه روشدیم، وبه همین خاطرفقط به ذکرِ نقاط مهم اکتفا می کنم، یعنی فقط بعضی از نقاط اصلی:

آغازآشکارنمودن دعوت درسال 2002بود، بعداز آن نظام صدام آگاه شد(ودنبال من بودند) ومجبورشدم از چشمان آن ها -برای مدت اندکی- دورشوم، درآن مدت فردی از مومنین بامن دیدار نمی کرد مگرشیخ ناظم -حفظه الله- ویادم می آید که اوسختی زیادی مُتحمّل شدتادرآن زمان بامن دیدارکند.

بعداز سقوط، بعداز سقوط نظام بعثی درسال 2003دریک مدت، دعوت مهدوی -در نجف وبصره وعماره وناصریه وبغدادوکربلا وبقیه استان های عراق- بانشاط(وانرژی) جدیدی آغاز شد. سپس شیخ ناظم عقیلی نزد من آمدوباایشان حسین جبوری بود، ابوسجاد، انصار اورا با این نام می شناسند، ابوسجاد، خدا به آن ها خیردهد، درآن زمان به همراه آن ها به نجف اشرف رفتیم، به فضل خداونددرآن جایکی از انصاربود، شیخ حبیب مختار -حفظه الله- پدر شیخ حازم مختار، ایشان در حی النصر نجف خانه ای داشتند، وایشان اتاق یا مکتبی دور از خانه اش داشت، ایشان آن جا را برای کاردعوت قرار داده بود. وبنده این مکان را به عنوان اتاق یامکتب یادفتری قرار دادم...هرچه می خواهید آن را بنامید...(درآن جا)با مردم دیدارمی کردم، انصار وغیرآن ها وطلبه های حوزه وغیرآن ها، ودر آن مدت، درخانه ای چسبیده به مسجدسهله ساکن بودم، ودر مکتب یا دفتر بودم وتادیروقت بامردم ومومنین ملاقات می کردم، همان طور که حسینیه هارا زیارت می کردم، ودر آن نماز می خواندم ونماز جمعه اقامه می کردم، وبا مومنین وسوال کنندگان در حسینیه ها ملاقات می کردم.

بعد از این، تنگی اموربه صورت خاصی به من آغازشد، متاسفانه به خاطر فتواهای مجرمانه که مسئولیت آن را برعهده نمی گیرند، (این فتواها)از سوی بعضی از افراد مدعی دین(بود)، و همچنین تحرکات بعضی از افرادی که درآن زمان درعراق نفوذ داشتند. درسال 2006 مجبورشدم که بعضی از انصار را -یکی از آن ها شیخ عیدان ابو حسین بود- مکلف به پیداکردن مکان امنی برای سکونتم درآن کنم، آن هازمین کشاورزی در اطراف نجف پیداکردند، ودر آن زمان، آن را خریدم، ودرآن جا خانه ای ساختم تا من وخانواده ام درآن ساکن شوم، وفعلا در پایان سال 2006 به دور از عموم انصاروهمچنین مردم برای سکونت در آن جا منتقل شدم، به این خاطر که بعداز این برایم امکان نداشت تابه صورت مستمر، در مکتب یا دفتر حضور پیداکنم وباانصار وعموم مردم دیدار کنم. ونمی توانستم مانندقبل، درحسینیه ها نمازجمعه اقامه کنم، وفقط به نقل خبرها ومسائل، از راه مومنین مورد اعتماد -خداآن ها را حفظ کند- می پرداختم، افرادی که مکان خانه من را می دانستندو با من مرتبط بودندو درآن هنگام با من دیدار می کردند، ازجمله سید علاء میالی و حسین جبوری، ابوسجاد که او را قبلاً ذکر کردم، وبرادرم محمد -حفظه الله- وشیخ حیدر زیادی، همچنین شیخ محمدحریشاوی وبقیه مومنین مورد اعتمادِآن زمان، به علاوه اینکه -درآن هنگام- با محل حوزه مهدویه ومکتب نجف ارتباط داشتم، وآن ها را دائماً راهنمایی می کردم.

درآن خانه بودم تااینکه درآغاز سال 2007 مجبور به بیرون رفتن از آن خانه شدم، ونیروهای نظامی قدرتمند، به آن خانه حمله کردند، این حمله فقط چندساعت بعداز بیرون رفتن من از خانه بود، بیرون رفتن من وخانواده ام، من وهمسرم وفرزندانم. طبعاً این حمله دلیل قانونی یامنطقی نداشت، وفقط دراَثرتصرفِ نیروهای ذی نفوذ درآن زمان، نه بیشتر، ومتاسفانه یکی از همسایه های من را دستگیرکردند واورا به صورت بدی شکنجه کردند، درحالی که همسایه های من نمی دانستند که من چه کسی هستم، یعنی من در میان آن ها بودم، ولی آن ها نمی دانستند من چه کسی هستم، واین چنین وضعیت من ادامه داشت وامنیت نداشتم، و وضعیت من برای دیدارباعموم مومنین ومردم متناسب نبود، مخصوصاً بعداز اتفاقاتِ مشهور سال 2008، وادامه داشت وفقط اکتفا به ارتباط ازراهِ بعضی از افرادمورداعتمادنمودم، و از راه سایت های اینترنتی دعوت، ومحل حوزه، ومکتبی (دفتر) که بازگشایی شده بود، البته هر وقت فرصت برای این کاراجازه می داد، واین وضعیت ادامه داشت از اتفاقات پایان سال 2006 تا پایان سال 2012، بعداز اینکه 6سال به پایان رسید -همان طورکه خداوند سبحان ومتعال خواست- خداوند با فضل ومنت خود(درغیبت)گشایش نمود، وخداوند با فضل و تلاش مبارک بعضی از مومنین، امکان انتقال من به مکان اَمنی را فراهم نمود...

واین چنین بود که مرحله جدیدی از دعوت آغازشد.....

وتوانستم صفحه ارتباط اجتماعی در فیس بوک، بازگشایی کنم، تا(درمرحله)جدیدی بتوانم دراین مکان(ودفتر)اجتماعی بین شما حاضرشوم، وازخلال این صفحه باعموم مومنین ومردم سخن بگویم، واین چنین شد که مابین شمابازگشتیم، و(سخنان)شمارا می شنویم، ومطالبی که می نویسید می خوانیم، واز خلالِ صفحه مبارکِ ارتباطِ اجتماعی باشما سخن می گوییم، والحمد لله رب العالمين.

وهمچنین ان شاء الله امروز صفحه جدیدی برای ماباز گشایی شد، اینکه کارهابه سمت تشکیل "سرایاالقائم" کشیده شده است، برای دفاع از مقدسات وضریح های پاک وآبرو وسرزمین، والان نیازبه ارتباط صوتی باشمابود، واینکه مابین شماحاضرشویم، وان شاءالله وسبحان الله درصفحه خوددیدم که استادعلی عاملی -حفظه الله- مَرابه برنامه مبارکتان دعوت نموده است....وان شاءالله درآینده نزدیک -موقع نیاز- مابین شما حاضرمی شوم، وخداوند توفیق دهنده وتاییدکننده است.

امیدوارم که مطالب را طولانی نکرده باشم، مایک برای شما.

استادعاملی: اللهم صل على محمد وآل محمد الائمة والمهديين وسلم تسليما. سیدومولای ما وتاج سرِما، امام احمدالحسن یمانی آل محمد ص خوش آمدید، مولای من، خیلی مهم است که تعلیق سیداحمدالحسن ع درمورد افرادی که مردم را فریب می دهند، بشنویم، وافرادی که نام هایی در نسب امام می آورند، مانند "قاطع" درحالی که این حقیقت ندارد، وشایعه ای بیش نیست، این از یک جهت، واز جهت دیگر افرادی هستند که (مطالبی به)شخصیت سیداحمدالحسن نسبت می دهند، وازنام وکنیه او سوء استفاده می کند، مثلاً برای سخن گفتن به نام او یا (افرادی هستند که)مدعی نماینده بودن ازطرف او هستند، یا(مدعی هستندکه)با او مُرتبط هستند، ومتاسفانه بعضی از آن ها مدعی ایمان به او هستند، مولای من، توضیح شمانسبت به این مسئله چیست؟

امام ع: یاالله، ان شاءالله صدابرایِ شما واضح است؟ الحمدلله، درحقیقت نمی دانم درمورداین مسائل چه بگویم.

همچنین دوست داریم نامه شما خطاب به مردم وحکومت ها را بشنویم، مخصوصاً حکومت عراق. مولای من بفرمایید به همراه صلوات برمحمدوآل محمد.

امام ع:

یاالله، ان شاء الله صدا برای شما واضح است؟ اولاً: دوستِ من علی عاملی، خداشمارا حفظ کند وخداعمرشمارا طولانی کند. وضعیت منطقه خاورمیانه خیلی خطرناک است، واین جا -از آغاز انقلاب های عربی- جنگ قبیله ای برقرار بوده است وادامه دارد، وبابِ حرکت سلفی وهابی را باز نموده است، افرادی که غیراز زبانِ کشتن وخون و ذبح نمودن نمی دانند، به عنوان مثال، شماحرکت های سلفی را در عراق وسوریه ولیبی می بینید... به بدترین شیوه، مسیحی ویزیدی وشیعی وسنی را می کشند، افرادی که روش آن ها برای پرستش بت آسمانی جسمانی را قبول نمی کنند(را می کشند)، یعنی حتی سنی که روش آن ها را قبول نمی کند، می کشند وکارهایی که بااو انجام دادند(ودیدید) با او انجام می دهند، حتی کودکان از ذبح شدن در اَمان نیستند، وزنان را به اِسارت می گیرندوآبروی مردم را می برند....هر روز کارهایی که انجام می دهند را می بینید، حتی آثار(باستانی)و میراث انسانی را از بین می برند... درنتیجه این جا جنگ قبیله ای، درحال اتفاق است، از سوی دین وهابی سلفی تکفیری علیه افرادی که باآن ها مخالفت می کنند، وعلیه هرمسئله ای که با اعتقاد فاسدآن ها تناسب ندارد، مخصوصاً شیعه اهل بیت ومراقد آل محمد -صلوات الله علیهم- .

این مطلبی است که واقع شده است وفردی نمی تواند چشم خودرا ببنددوبگوید: این اتفاقات وجودندارد... امروز (خبر)انفجار توسط وهابی(های)سلفیِ مجرم را در کویت ویکی از مساجد شیعی شنیدید.

تحلیل بنده درمورد خطری که الان از وجود سلفی(های)وهابی تکفیری -در منطقه خاورمیانه- باآن، مواجه هستیم، این است که بسیار بزرگ است، وحتماً باید تمام نیرو وامکانات در دسترس را -برای از بین بردن آن به کلی- به سرعت جمع آوری کنیم، و الا نتایجی که در اثر تاخیر از بین بردن وبه نهایت رساندن این وجود مُترتب می شود، بسیار بداست...به همه ما خسارت های بَدی می رساند، نه تنها خسارت هایی به خودِما، برحَسب اعتقاد من، نه تنها خسارت به خودِما یا به اموال ودارایی ها، بلکه ممکن است کار به مقدسات وآبروها بکشد، خدا آن روز را نیاورد.

الان ما بعداز گذشتن یک سال از تصرف موصل می بینیم، امکانات آن ها از جهت افراد وتعداد، زیاد شده است، وتصرف رمادی به پایان رسیده است، به علاوه این که در موصل، دانشگاه بزرگی است، به همراه آزمایشگاه ها ومتخصصین و کارگرانی(در دانشگاه)، همچنین در مناطقی از سوریه که تصرف کردند، وفکر کنم دست یابی به مواداولیه برای ساختن چیزی که نامش بمب هسته ای میکروبی یابمب میکروبی یاسلاح رادیو اکتیو یا تشعشعات اتمی است، مسئله محالی نیست، مخصوصاً این که آن ها اموالی را در اختیار دارند، همان طور که حالِ امروز داعش این گونه است، درنتیجه امکان حمله به شهرهای دیگرِما وجود دارد، همچنین تسلط این مجموعه های تکفیری بر شهرهای سوریه -مثل ادلب- اشاره ای روشن بر حجم خطر دارد، به همین خاطر می گویم: این زمان مهم است وبه سرعت، شکست دادن آن ها مهم است، به این خاطر که وجودِما ومقدسات ما را خطری حقیقی و واقعی تهدید می کند.

بنده نمی خواهم فردی را بترسانم، یعنی(نمی خواهم) فردی را با این کلام به رُعب(و وحشت)بیندازم... اصلاً، ولی این حقیقتی است... این حقیقتی است که جلوی ما وجوددارد، به نظر من، ورودآن ها به رمادی، خطرناک ترین اتفاقی است که امروز با آن مواجه هستیم... وهرروز از وجودآن ها که در رمادی می گذرد، احتمال تعرض(و رسیدن) خطر به ما و تعرض به شهرهای ما وخانواده ما ومقدسات ما بیشتر می شود.

این تحلیل اجمالی بنده، ازوضعیت فعلی سرزمین(ها)است، اما نقش بنده یا نقشی که بنده می توانم برعهده بگیرم: بنده از سال هاست که (آن ها را) دعوت به تشکیل نیروهای جنگی نمودم، برای جنگ با آن ها و دفع نمودن خطرآن ها قبل از این که (این گونه)دامن گیر شود، وبیاناتی دراین مورد، از بنده صادر شده است.

امروز ما آغاز به تشکیل "سرایا القائم" نمودیم، برای دفاع از مقدسات و سرزمین وآبرو، وهمه مردم -مخصوصاً شیعه اهل بیت ع- را به جمع شدن دور آن وکمک نمودن آن ومُلحق شدن به آن دعوت می کنیم، این لشکرِ امام شماست، آن را یاری دهید، و آن را تنها نگذارید، وهدف اول ما، عقب راندن این مجرم ها به دور ترین مسافتی که ممکن است، می باشد، (دورراندن) از مقدسات ما وخانواده ما وسرزمین ما و اِخراج آن ها از عراق.

اما در مورد نامه من به حکومت ها: فکرنکنم حکومت ها بشنوند، یعنی آن ها نمی توانند واز گوش دادن عاجز هستند.... از گوش دادن عاجز هستند، نامه من به حکومت عراق این است که: برای ما پادگان هایی برای آموزش فراهم کنند، وفرصت جنگ با این جنگ جویانی که سرزمین ماتصرف کردند، فراهم کنند، ومی خواهند مقدسات مارا آلوده کنند، ومقدسات ما را بالفعل، آلوده کردند، وقتی قبلاً ضریح عسکریین را در سامراء منهدم کردند.

اگر حکومت عراقی به این درخواست ما پاسخ(مثبت)ندهد، بنده خطاب به "سرایا القائم" می گویم: تعداد خود را آماده کنید، و از جهت بدنی وفَنّی و نَفسی آماده شوید، برای دفاع وجنگیدن، به این خاطر که جمعیتی که با داعش مُواجه شده است، شکست خورده است، همان گونه که مدتی پیش، شکست خوردند و رمادی را تسلیم(آن ها )کردند.

شهرهای شما، مقدسات شما و آبرویتان در خطر حقیقی و واقعی است.

همچنین به مناسبت آغاز قانون عفو عمومی در عراق، در این روزها، ما از حکومت عراق می خواهیم که انصار امام مهدی که در زندان هستند و محکوم به اعدام هستند را آزاد کنند، مخصوصاً افرادی که محکوم به اعدام هستند، انصار امام مهدی اِرهابی نیستندو مجرم نیستند، ومعقول ومنطقی نیست که 10 ها شخص را محکوم به اعدام کنند، به خاطر اتفاقاتی که در سال 2008 افتاده است.

درحالی که درتمام عُرف ها وقوانین، حکم نمودن به اعدام، نیاز به اثبات نمودنی دارد که هیچ پوشش ولُبسی درآن نباشد(یعنی 100 درصد اثبات شود که شخص، محکوم به اعدام است) چگونه شخص قاضی می تواند برای 10 ها فرد، در یک جلسه حکم به اعدام کند؟ در یک جلسه حکم به اعدام... اینکه این افراد قصدِ قتل داشتند؟ چگونه یک قاضی(می تواند چنین کاری کند)؟ حتی اگر چندقاضی باشند، در یک جلسه حکم به اعدام، چند شخص کنند، چگونه تشخیص دادند که این افراد، قصدِقتل داشتند، درحالی که اصرار از طرف مقابل بوده است، به علاوه اینکه اتفاقات(سال2008)حمله های مسلحانه غیرهدفمندبود.

یعنی این مطالب، مارابه یادِدادگاه(های)انقلاب زمان صدام می اندازد، اگراین گونه نیست، پس فرق(این 2) چیست؟

اتفاقات (سال) 2008 به خاطر (ظلم ها)ودستگیری های مُکرر علیه انصارامام -از سوی بعضی از افراد صاحب نفوذ درآن زمان- بود، وبرای هرفردی که در حکومت فعلی عراق است، حکومت فعلی عراق، اگر می خواهند حق را مُحقق کنند، اینکه تحقیق وجست وجویی منصفانه ترتیب دهند تا مقدار ظلم ها واذیت هایی که در آن زمان -ازسوی بعضی از افراد صاحب نفوذ- به مارسیده است را مشاهده کنند، به عنوان مثال:

تجاوزبه حوزه مهدویه ومکتب رسمی نجف در آغاز سال 2007 وپُلُمپ کردن آن ودستگیری سید حسن حمامی و طلبه های حوزه مهدویه، بدون هیچ دلیل قانونی، ولی بعداز مدتی آن ها را آزادکردند وساختمان(مکتب وحوزه) را در اختیار آن ها قرار ندادند، ساختمان حوزه را برنگرداندند، ساختمان حوزه ومکتب، بلکه بدون دلیل قانونی برآن مُستولی شدند(و دست گذاشتند) وآن را تحویل ندادند، تااینکه عقداجاره(آن ساختمان) به پایان رسید.

این تنها حادثه نبود، بلکه به همان شیوه تاسف بار، تکرار شد، بستن مکتب ودستگیری سید حمامی و طلبه های حوزه بدون (هیچ)دلیل حقی، تااینکه اتفاقات سال 2008 به وجودمی آید.

به همین خاطر من از آن ها می خواهم که در کار انصار امام مهدی که در زندان هستند، گشایشی نمایند، این افرادی، مردمی ستمدیده هستند، ستمدیده هستند، درکارشان گشایشی نمایید(وآن ها را آزاد کنید)

مطلب دیگری ندارم....مایک برای شما.

استادعاملی: اللهم صل على محمد وآل محمد الائمة والمهديين. مولای ما، یمانی آل محمد به شماومهمانانتان خوش آمد، می گوییم.

سوالی در مورد "سرایاالقائم" وجوددارد، که آن را چندوقت پیش تشکیل دادید، وسوال از دو بخش تشکیل شده است:

1: می بینیم که از آغاز دعوت تا(زمان)تشکیل "سرایا القائم" به آن حمله می کنندودر آن ومسئولین واهداف آن تشکیک می کنند، بااین که می دانیم، همه عراقی ها وغیرعراقی ها در جنگ با داعشی های کافر، مشترک هستند، سوال این است: آیا حمله به "سرایاالقائم" نتیجه اشتباهِ برداشت است یا مطلب از این بزرگ تر است؟

2:ما 10 ها هزار نفر از نیروهای بسیج مردمی را می بینیم که با داعش مقابله می کنند، ولی با این حال نتوانستند به کارِآن ها پایان دهند، سوال طبیعی و منطقی این است: فرقی که "سرایا القائم" با افراد اندک، در مسیراین حرکت، به وجودآورده است چیست؟

مولای من بفرمایید.

امام ع: یاالله، ان شاء الله صداهست، صدا واضح است؟ الحمدلله.

اولاً: الان هزاران داوطلب در عراق وجود دارد، یعنی در داخل عراق، همچنین در خارج عراق، عده ای از آن ها: نظامیان وفارغ التحصیلانِ دانشکده اَفسری هستند، هزاران نفر که در میدان(جنگ) تاثیر(زیادی) می گذارند، حتی به نسبت مقیاس های مادیِ صِرف.

ثانیاً: ما مقیاس دیگری هم داریم، مقیاس الهی، ما مُعتقدیم که خداوند با ماست ومارا در برابر دشمنانمان یاری می دهد.

ان شاء الله، "سرایا القائم" درمواجهه با داعش و ستمِ وهابی سلفی تکفیری -در میدان جنگِ امروز- به صورتِ عمومی، تفاوت بزرگ وقابل لمسی در میدانِ جنگ به وجود می آورد. ورحمت خداوند وسیع است، ان شاء الله.

مطلب دیگری ندارم، مایک برای شما.

استادعاملی: اللهم صل على محمد وآل محمد الائمة والمهديين. یمانی آل محمد، مولای ما، بین مهمانت خوش آمدی، مولای ما با دیدارِ شما خوشحال شدیم، مولای من، ما انصار شماوخادمین(شما) هستیم، همان گونه که یهود به موسی ع گفت: "تو وخدایت بروید وبجنگید " ما(این جمله را)نمی گوییم، آقای ما، آقای ما، ما در هرمسئله ای آماده هستیم، منتظر اشاره شماهستیم، اگر از مابخواهید(آبِ)دریاها را بنوشیم می نوشیم، اگراز ما بخواهیدکه کوه ها را بر دوشمان حمل کنیم، آن کار را می کنیم... آقای ما، شماهستی که به ما دستور می دهی، مولای من احمدالحسن ع.

در سرتاسرِ جهان، افرادِزیادی وجود دارد که دوست دار محمد وآل محمد ص هستند، سخنِ کریمانه شما برای آن ها وبرای هرمسلمانی، در سایه این فتنه ای که وارد هرخانه ای از خانه اسلام شده است، چیست؟ وصورتِ اسلام را به گونه ای نشان می دهند که درنگاه دیگران، اسلام، دین خون ریز و اِرهابی است، آقای ما بفرمایید، مایک برای شما.

امام ع: یاالله، ان شاء الله صدا برای شما واضح است؟

مسئله مهمی وجود دارد که در سال های اخیر -به صورت عمومی- در اجتماعات انسانی به وجود آماده است، وآن مسئله انقلابِ معلومات(ودانستنی ها) و آسانی دست یافتن، به معلومات است، همچنین راه آسانی برای ارتباط اجتماعی -بین انسان ها- به وجود آمده است،

این راه ها دربی برای هرانسانی باز نموده است تا نسبت به حقیقت ها -همان گونه که است- آگاهی کسب کند، وهر زمانی که می خواهدو می خواهد نسبت به آن، آگاهی کسب کند، طبعاً(این کسبِ آگاهی) بایدبدون در نظر گرفتن نظرات دیگران وتاثیر دیگران به عقل وراهِ تفکرش باشد، وباید بامنطق وتفکرسالم باشد، والا اگر این گونه نباشدونظراتِ دیگران به تفکر وعقلش تاثیر بگذارد، یعنی دیگران را مُوثر بر تفکرو عقلش بداند، فایده ای از کسب آگاهی او نیست، (این شخص)باید بدون در نظر گرفتن نظر(دیگران) آگاهی کسب کند، در نتیجه می گویم: بنده هر انسانی -مخصوصاً دوست داران آل محمد ص- را به مُطلع شدن از دلایل دعوت مهدویت دعوت می کنم، (اطلاع کسب نمودنی که) باآرامش و بدونِ دخیل شدن نظرات دیگران است، امیدوارم که آن ها، برای دیگران، راهی باز نگذارندتا آخرتشان را مُشخص کنند، چون این مسئله مانند ضرب المثل عراقی است: "زمینه را آماده کن تا فردِدیگری در قبرت بخوابد " برای خودت، آخرتی که خداوند -سبحان ومتعال- از آن خشنود است را آماده کن.

همچنین از تاثیر، پذیرفتن از جامعه دوری کنید، یعنی وقتی می خواهید از دیگران، سخنی بشنوید از تاثیرپذیرفتن از جامعه دوری کنید.

در انتخاب های خودتان، آزاده باشید... وقتی راهِ صحیح را پیدانمودی، به خداوند توکل کن ووقتی مردم به تو بدی نمودند، به آن ها بدی نکن، همان طور که می گویند: "خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو "

ما دوست دارانِ آل محمد ع را به یاریِ این دعوتِ مهدویه الهیِ حق، دعوت می کنیم، تاخداوند به واسطه آن، از آن ها واسلام، شرِّ این مفسدین را دور کند، داعش وغیرآن ها، حرکت های وهابی سفیانی تکفیری، تابتوانیم صورت(وشکلِ) اسلام حقیقی ودرست را به تمام دولت های عالَم ومردم جهان در شرق وغرب برسانیم، صورتِ پاک، ان شاء الله.

مطلب دیگری ندارم، خدابه شما پاداشِ خوبی دهد، مایک برای شما.

د.علاء سالم: بسم الله الرحمن الرحيم مجدداً سلام عليكم ورحمة الله وبركاته، آقای ما، از شما متشکریم، حقیقتاًدراین شبِ مبارک شمارا خسته نمودیم، ولی این هدیه ای الهی است که خداوند تبارک وتعالی به همه ما عطا نموده است، در حقیقت (تقریباً) نزدیکِ 50 دقیقه از وقت گذشته است و واقعاً به سرعت گذشته است، واز خداوند سبحان ومتعال می خواهیم که این دیدارها -به بخششِ یمانی آل محمد ص- تکرار شود.

إليكم ذوي آل النبى تطلعت نوازعُ من قلبى ظِمَاءٌ وألـْبـُبُ

يشيرون بالأيدي إليَّ وقولـُهُمْ ألا خاب هذا والمُشيرون أخيبُ

فطائفة قد أكفرتني بحبكم وطائفة قالوا مُسِيءٌ ومُذنِبُ

فما ساءني تكفير هاتيك منهمُ ولا عيب هاتيك التي هي أعيبُ

يعيبونني من خبثهم وضلالهم على حبكم بل يسخرون وأعجبُ

وقالوا ترابيٌّ هواه ورأيه بذلك أُدعى فيهمُ وأُلـَقـَّبُ

شنوندگانِ عزیز، فقط 2سوال از سید احمدالحسن ع باقی مانده است.

بله در مورد "سرایا القائم" دلیل تشکیل آن را در صفحه فیس بوک آشکارنمودم، دلیل تشکیل آن، دفاع از مقدسات وشهر وآبروها می باشد.

اما حمله (هایی) که بر "سرایا القائم" است، حداقل نسبت به خودمن، چیزی را کم یازیاد نمی کند، یعنی حداقل نسبت به خودبنده، این حمله ها -هرچه که باشد- چیزی را کم یا زیاد نمی کند، ولی بنده -به شخصه- تاامروز فردی را پیدانکردم که ارزش و جایگاه اجتماعی یا سیاسی یا لشکری یا حتی دینی داشته باشد و به صورت آشکار بر "سرایا القائم" حمله نماید، بلکه برعکس، از خلال خبرهایی که از مکتب ومومنین به من می رسد، از سوی افراد مختلف و فرماندهان لشکری و از حکومت های محلی و استان داران زیادی در استان های عراق واز بعضی از فرماندهان در نیروهای بسیج عمومی ، نسبت به تشکیل "سرایا القائم" به اندازه زیادی، لطف داشتند. وبه شخصه از مکتب رسمی(نجف) خواستم که با شخصیت های سیاسی و لشکری عراق دیدار کنند و هدف از تشکیل "سرایا القائم" را برای آن ها روشن کنند، واگر شرایط من اجازه می داد، با آن ها(به شخصه) دیدار می کردم...واین دیدار را انجام می دهیم تا برای بعضی از افراد بیمار، فرصتی -حتی اندک- برای تشویش باقی نماند، خطری وجود دارد که همه مارا تهدید می کند...سنی وشیعه ومسیحی.... خطری که افرادی که شیعه اهل بیت هستند را تهدید می کند، بدون در نظر گرفتن فکر واعتقادآن فرد... و مرقدهای امامان مارا تهدید می کندو آبروی مارا تهدید می کند... سرزمین عراق عزیز ومبارک وپاک شده به واسطه مرقدهای امامان ع وپیامبران.... واین خطر به اطراف بغدادِموسی بن جعفر و کربلای حسین و نجفِ علی بن ابی طالب ع رسیده است، به همین خاطر ما مجبور به حرکت شدیم و"سرایا القائم" را تشکیل دادیم، هر فردی می خواهد غضب ناک شود، غضب ناک شود.

به صورت عمومی، افرادی که خشمگین می شوند و به "سرایا القائم" حمله می کنند، بسیار اندک هستندو حمله آن ها، ارزشی ندارد، وبرای احدی مهم نیست، وهمچنین هرعاقلی به روشنی می فهمد که این افراد به اهداف داعش کمک می کنند، چه از روی آگاهی و شناخت یا با سفاهت و نادانی و درک نکردن ونفهمیدنِ حوادثی که در عالَم در حال اتفاق است.

ای دوستان در "سرایا القائم" خطابم به شماست: ای دوستان در "سرایا القائم" چه کسی از حمله در اَمان مانده است، تا شمابخواهید از حمله در اَمان باشید؟ خدایِ سبحان ومتعال در اَمان نمانده است، و مُلحدینی وجود دارد که به او حمله می کنندو او را مسخره می کنند، می خواهید که ما وشما از حمله بعضی از سفیهانی که به داعش کمک می کنند، در اَمان باشیم؟ فکرکنم این بَهایی است که در هر قَدمی که می پیماییم،همیشه باید آن را بپردازیم، تا نزد خدای سبحان ومتعال بالا برویم.

بنده دوست دارم که هرفردی که مخالف ماست مطمئن باشد که روش ما، روش خلفای الهی است، روش محمد ص، روش علی ع... محمد، مدینه مُنوره را با نیروهای نظامی فَتح نکرد، ایشان، مردم را به حاکمیت خدا دعوت نمود، وقتی مردم مدینه او را قبول نمودند، به مدینه مُنتقل شد.... همچنین علی ع، رسول الله ص او را تَنصیب نمود، ولی وقتی دید که تنهاست و یارانش اَندک هستند، در خانه اش ماند تااینکه مردم به سوی او بازگشتند و تَنصیب اورا قبول کردند وایشان اَمر(وحکومت) را برعهده گرفت...

ما نیز این چنین هستیم، فردی فکر نکند که ما نیروهای نظامی تشکیل دادیم تا مردم را مجبوربه قبول کردن احمدالحسن کنیم، اصلاً، این روش ما نیست، وراه ما نیست، وراه ما از همان روز اول دعوت آشکار بود، وبارها گفتم وتکرار نمودم که خداوند، خلیفه اش را در زمین قرار می دهد و خلیفه نیز دلایل خود بر تَنصیبش را (به مردم)عَرضه می کندو بر مردم واجب است که تَنصیب او را قبول کنند، اگر تَنصیب الهی را قبول نکنند، بَهره وآخرت خودرا ازبین بردند، اما به خلیفه خداوند ضرری نمی رسد، او در خانه خود می نشیند، همان گونه که علی(درخانه اش)نشست، 25سال.

این نظر بنده در این مورد بود... اما سوالی که درمورد تاثیر ما وهمچنین کاری که نیروهای بسیج مردمی انجام دادند، پرسیدی...

در مورد نیروهای بسیج مردمی ولشکرعراقی مُعتقدم که آن ها جان وخون خودرا -برای حفظ مقدسات وشهر وآبرو-دادند، این مطلبی است که قابل تشکراست، بدون در نظرگرفتنِ تشکیک بعضی از افراد، نسبت به نیت ها(واهداف) یا حتی تشکیک بعضی از آن ها نسبت به بعضی های دیگر... بعضی از سخنان را دراین مورد می شنویم، همچنین بدون در نظر گرفتن اینکه آن ها پیروز شدند یانه، از شما می خواهم که همیشه به یاد داشته باشید که در سربازان(لشکر)عراقی در این زمان، بسیاری از برادران انصار مومن وپاکِ شماهستند، وبعضی از آن ها، در میدان دفاع از سرزمین عراقِ مقدس به شهادت رسیدند، خداآن ها رابا رحمت وسیعش موردآمرزش قرار دهد.

اما درمورد کاری که "سرایا القائم" می تواند انجام دهد، فکرکنم "سرایا القائم" بتواند کارهای زیادی انجام دهد:

آقای ما سوال یکی مانده به آخر این است: نامه(و دعوت)شما نامه ای جهانی است، همان گونه که آن را مطرح نمودیدودر خلال سال های متمادی آن را بیان نمودید، آیا خطابی از سوی شماوجود دارد که دوست داریدنسبت به مسیحی ها ویهود(یان) بیان کنید، افرادی که گمان دارند که منتظر مُنقِذ و مُخَلِّص موعود درآخرالزمان هستند؟

آقای ما بفرمایید، مایک برای شما.

امام ع: یاالله، د.علاء خوش آمدی، اصلاً مرا خسته نکردید، ان شاءالله در هرزمانی که بخواهید در خدمت شما هستم.

در حقیقت، کتاب های زیادی برای آن ها نوشتم، مخصوصاً مسیحیان، آن ها می توانند از کتاب هایی که قبلاً نوشتم، مُطلع شوند، در کتاب توحید یا پاسخ هایی که در کتاب حواری13 و نامه هدایت و... نوشتم، اخیراً(نیز) کتابی نوشتم ودر آن مسائلی که مربوط به آن هاست را مورد مناقشه قرار دادم، درکتاب وهم الالحاد. من آن ها را به مطالعه وآگاهی وشناخت نسبت به معزی دعوت می کنم، فردی که عیسی یا یسوع از آن ها خواست تا به او ایمان بیاورند وحقّی که می آورد را قبول کنند.

آن ها فرقه ای به نام شاهدانِ یَهوَه دارند... طبعاً بسیاری از مسیحی ها، آن ها را مسیحی نمی دانند، چون آن ها منتظرمُعزّیِ آخرالزمان هستند، در هرحال، فکرکنم اهتمام به این فرقه وبیشتر، تبلیغ نمودنِ آن ها واجب(ومهم)است... امیدوارم انصار، این کار را انجام دهند.

همچنین نصیحتی به(اهل) سنت دارم، اینکه از کتاب هایی که نوشتم آگاه شوند، این گونه نباشد که فقط نزد مسیحی ها توقف کنیم، د.علاء شمانصیحتی درخواست نمودی وماآن را بیشتر توضیح دادیم(و آن را وسعت دادیم) به نسبت(اهل)سنت، امیدوارم که آن ها از نوشته های من در موردِ خلافت خداوند درزمین، آگاهی کَسب کنندودر دلایل مبارک دعوت، جست وجو(وتحقیق) کنند، آن ها به مهدی که درآخرالزمان متولد می شود، ایمان دارند، این دعوتِ مهدیِ امت محمد ص است، درآن -بدون تعصب و هوی- تحقیق و دقت کنید.

همچنین برای وهابی ها وسلفی ها، نصیحتی دارم، عقایدی که دینِ وهابی، آن را مطرح می کند، با اسلام ارتباطی ندارد، چون دین وهابی استوارِ بر پرستشِ هُبلِ آسمانی وبتی آسمانی است؛ یعنی دین وهابی در قدمِ اول، از اسلام، دور است، خدایی که پرستش می شودو ویژگی های او جداهستند، یعنی نزد آن ها خدایی است ونزد ما خدایی است.

علماء دین وهابی، خدای خود را این گونه توصیف می کنند که در حقیقت، 2دست دارد، و در هردست، 5انگشت حقیقی دارد، وفقط2 چشمِ حقیقی دارد، همچنین در بقیه ویژگی ها، تااینکه بتی جسمانی -باتمام معنای کلمه(جسمانی)- برای تو توصیف می کنند، ومی گویند: او در آسمان وجود دارد، واین اصلاً اسلام نیست، هرفردی می خواهد، به سخنانِ علمای آن ها مراجعه نماید، وبعضی از آن ها را در کتابِ توحید نقل نمودم، به همین خاطر، عوامِ آن ها وافرادی که به واسطه این دین فریب خوردند، به توبه وبازگشتِ به اعترافِ به خدا دعوت می کنم، (خدای) مُنزه از بت بودن واین جسم قرار دادنِ ناپسند که شایسته او نیست، سبحانه، واصلاً درست نیست.

همچنین، (اهلِ) سنت وشیعه -مخصوصاً علمای آن ها- را به مطلع شدن از مسائل عقایدی که بنده مطرح نمودم، دعوت می کنم، مانند بحث اخیر، در مورد آیه اِکمال الدین، (دیگر)جایِ این نمی ماند که انسانِ عاقل، چشمانش را ببندد، وقتی ببیند که عقیده اش به صورتِ علمی وبه شکلِ محکم، از بین رفته است.

د.علاء ودوست(عزیز)علی عاملی، خدابه شما پاداش خوبی دهد. مطلب دیگری دراین مورد، ندارم که بگویم.مایک برای شما.

استادعاملی: اللهم صل على محمد وآل محمد الائمة والمهديين. مولای ما، یمانی آل محمد ع خوش آمدی، مولای من، کلام شما روح را تازه می کند، خداشمارا در مقابلِ دشمنانتان یاری دهد، مولای من، آرزومندیم که این برنامه به اِتمام نرسد، چون ما به وجود شما، به همراه ما، خوشبختیم، ولی ناچاراً درآخر باید به پایان برسد، وان شاء الله آخرین دیدار نباشد.

مولای من سوال آخر، نصیحتِ عمومی شما چیست، مخصوصاً افرادی که به "سرایاالقائم" مُلحق شدند و(برای شرکت درآن) داوطلب شدند؟

مولای ما بفرمایید، مایک برای شما.

امام ع:

یاالله. اولاً: نصیحتی خطاب به عموم انصاردارم، به صورتِ عمومی مومنین -خداآن ها را حفظ کند- چه زن وچه مرد، برای کاردر شب وروز وبرای دعوت مردم به حق ورفع شبهات -به واسطه وسایل مختلف- کوتاهی نکردند، خدابه آن ها پاداش خوبی دهد. آن ها -خدابه آن ها پاداش خوبی دهد- باتلاش وکوشش، کارمی کنند، واز خداوند می خواهم که خوبی آخرت و دنیا را روزی آن ها نماید، به خاطر تلاشی که انجام می دهند، وسختی ای که تحمّل می کنند، ومردان وزنانی که کوتاهی نمودند را دعوت می کنم وآن ها را نصیحت می کنم که به جمعِ برادران وخواهرانشان ملحق شوند، وکوتاهی نکنند، یعنی جهاد با مال و نفس و یادگیری ورساندن حق به مردم، این(زمان) فرصتی برای افراد بایقین است، وفرصت ها مانندِ گذشتنِ ابرها می گذرد، از فرصت ها استفاده کنید.

اما دوستانی که بالخصوص در "سرایاالقائم" هستند، ای مومنین، ان شاء الله تشکیل شدن شما، باعثِ خیر می شود واینکه راهی می شود تا تمامِ خیر را (به دیگران)برسانید، جهاد زیر پرچمِ خلیفه خدا در زمین، وخداوند این را به افرادی که صبر می کنند، می دهد، وفردی که صاحب بَهره بزرگی است، به آن می رسد وبرآن ثابت قدم می ماند، واز خداوند می خواهم که شمانیز از اهلِ آن باشید.

ای دوستانِ در "سرایا القائم" داستان شما در امروز وجنگیدن شما با این وهابی های تکفیریِ منحرفِ مُفسددر زمین، داستانی حق است، باتوجه به تمامی مقیاس های انسانی و اخلاقی، ونه فقط با مقیاس دینی، به همین خاطر، جنگ با این افرادو کشتنِ آن ها همچنین از جهتِ اخلاقی واجب است، برای پاک نمودن زمین وتمامِ انسانیت از شرهای آن ها، واز خداوند می خواهم که شما را -از جلو واز پشتِ سرتان واز بالای سرتان واز زیرپایتان- حفظ کند، ودر محافظت خود قرار دهد، وازخداوند می خواهم که شمارا یاری دهد وبه واسطه شما، پیروزی را به وجود بیاورد، از خداوند می خواهم که پیروزیِ عزت مندانه را به شما ارزانی دارد، واینکه با دستان شما، فَتحی آسان به وجود بیاورد، او سرپرست من است وسرپرست شایستگان.

یاالله، پاسخگوییِ بنده به پایان رسیده است، والان مطلبی ندارم که بگویم، ان شاء الله به اندازه چند دقیقه دراتاق(پالتاک) می مانم تا سخنانِ شما را بشنوم و مجبورم بعد از چند دقیقه (از اتاق پالتاک) بیرون بروم، وجلوتر(از شما) معذرت خواهی می کنم، مجبورم بیرون بروم بدون این که نظراتِ کریمانه شمارا بشنوم، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. دوستانِ من مایک برای شما.

استاد عاملی: اللهم صل على محمد وآل محمد الائمة والمهديين.مولای من متشکرم، آقایِ من متشکرم، قائم آل محمد ع متشکرم، گروهِ ساختِ برنامه "حقیقت همان گونه که می باشد" از امام سید احمدالحسن ع به خاطر قبول دعوت، تشکرمی کند، خدامارا برولایت شما ثابت قدم بدارد، از د.علاء سالم به خاطرِ تلاش ایشان، تشکر می کنیم، واز حاضرین انصار ومهمانانِ در مهمانی امام احمدالحسن ع تشکر می کنیم، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

احمدالحسن شخص معروف ومُشخص است، من در شناسنامه های رسمی عراق -که درآن جا متولدشدم- نام مشخصی دارم، ومن احمداسماعیل صالح هستم، ومن شناسنامه شهری درعراق دارم، ومن هویتِ ثبتِ احوال شهری درعراق دارم، ومن گواهی ملیت عراقی دارم. ومن جوازسفرهای داخلی عراق دارم. وگواهی ازدانشکده مهندسیِ دانشگاه بصره دارم...ودرتمام این ها عکس ومسائل شخصی من ثبت شده است.

به علاوه اینکه از سوی افراد مشخص یا فرد مشخصی نام های اشتباهی به نام من اضافه می کنند، این مطالبی که بیان شدبرای اثبات دروغ بودن ومورداعتمادنبودن آن(مطلب) کافی است. درحقیقت من مطلب دوراز ذهنی می دانم که افرادی این نام هارا به دروغ می گویندولی افرادی وجوددارندکه از آن ها دنباله روی می کنند...من این مطلب را دورازذهن می دانم....افرادی که آن ها را تصدیق می کنند، همیشه آن ها راتصدیق می کنندواز آن هادنباله روی می کنند، یعنی آیابرای دروغ بودن این مطالب کافی نیست؟؟ نمی دانم...درهرحال.

امادرموردافرادی که ازنام من سوءاستفاده می کنندومدعی دیدار بامن هستند، به واسطه غیراز راه های معروفی که من آن راآشکارنمودم، وازآغازدعوت تاالان، مورداعتمادمن بود، این افراددروغ گوهستندودروغ آن ها آبرویشان رابرده است، ودروغشان برای هرانسان عاقل وهوشیارروشن است....وفکرکنم درمورداین افراد، بیشتراز این نیازنباشدصحبت کنم.

خدابه شماپاداش خوبی دهد....درمورداین مسئله، مطلب دیگری ندارم....ان شاءالله مایک برای شما.

د.علاءسالم: بسم الله الرحمن الرحيم .السلام عليكم ورحمة الله تعالى وبركاته، سیدما خدابه شماپاداش خوبی دهد، درحقیقت،هرچند بعضی از سوالات بردل های ماسنگین است ولی ان شاءالله تعالی می خواهیم این دیدار، به حق محمدوآل محمدص نتایج وفایده هایش بیشترباشد، سیداحمدالحسن ع همچنین یکی ازسوالاتی که ماوغیرمانیازداریم، توضیح درموردِوسائلی که سیداحمدالحسن ع به آن ها اعتماددارد، وسایلی برای نشرعلوم ومعارف وپاسخ هایی که برای همه مردم از آغاز دعوت مبارک بیان نموده است، وهمچنین وسایلی که دربردارنده کتاب ها وبیانات وارشادات ایشان می باشد، به گونه ای که می توانیم آن ها را وسایل رسمی -که مُمَثِّلِ(ونماینده) دعوت الهی است- بدانیم، این سوال(من)است....آقای مابفرمایید.

امام ع: یاالله.ان شاءالله صدابرای شماواضح است؟

وسایل منتشرکردنِ علوم، زیاداست. طبعاً درآغاز وسیله ی تنهایی برای مابود، دفتر یامکتب، مکتب نجف که قبلاً درمورد آن سخن گفتم، مکانی که خودم درآن جا می نشستم ودر"حَی النصر" بود، واز خلال آن بعضی از مومنین را راهنمایی می کردم، مثل سیدعلاء میالی، معذرت می خواهم از اینکه نام (همه)آن ها را ذکرنکردم، یعنی شاید تعدادِآن ها(بیشترازاین است)... سیدعلاءمیالی وشیخ حازم مختار وحبیب سعیدی وشیخ ناظم عقیلی وشیخ حیدرمشتت -قبل ازاینکه ادعای باطل کند- ...

همه این هارابه منتشرکردن بعضی از منشورات وکتاب ها -درچاپ خانه های موجودنجف- وتوزیع آن راهنمایی کرده بودم، بعدازاین، یکی از مومنین -مهندس احمدبهاء- رامکلف نمودم، شاید امروزدراین اتاق(گفت وگوی پالتاک) حاضرباشد...به همراه شما حاضرباشد، ایشان را مکلف به افتتاح سایتی در شبکه اینترنت نمودم، برای منتشرنمودن بیانات وکتاب های دعوت وارتباط بامردم از راه اینترنت، ایشان باهمکاری استاد ضیاء زیدی -خدادرکارش گشایش حاصل کند- این کار را انجام داد، فکرکنم مهندس احمدبهاء -حفظه الله- فضیلت بزرگی دارد، وخدابه او پاداش خوبی دهد، چون همه وسایل ارتباط از راه اینترنت، نتیجه کارِمبارک ایشان است.

بعداز این، سایت ها -باتلاش مومنین- کامل شد، وبه صورتی که امروزدارد، رسیده است، وطبعاً(این مطالب)به فضل خدایِ سبحان ومتعال است. همچنین -همان طورکه می دانید- صفحه ارتباط اجتماعی تشکیل شدتا مابین همه شما باشم، واین صفحه(فیس بوک) جایگزینِ(حضورمن)است، هرچند موقتی از مکتب یا دفتر یااتاقی است که خودم به شخصه درآن می نشستم، یعنی(می توان گفت)این(صفحه فیس بوک)الان راه جایگزینی است که قابل استفاده است، تابتوانم بین شما باشم، وبه فضلِ خداوبه فضل تلاش وکوششِ مومنین -حفظهم الله- ان شاءالله کار(ها)همان طورکه در سابق بود، می شود.

همچنین اینجا وسیله ای برای ارتباط است، (وسیله ای که) ازآغاز دعوت به آن اعتمادداشتم، اینکه علاوه برمکتب ودفتر، مومنینی بودندکه راهنمایی های مَرا منتقل می کردند، بعداز دور شدن من، این مطلب به حالتی که امروز دارد، رسیده است واستمرار داشته است، همان طور که قبلاً بیان کردم، این مطالب خلاصه بود...اگر چیز دیگری نزد شما است، در خدمتم، مایک برای شما.

عاملی: اللهم صل على محمد وآل محمد الائمة والمهديين وسلم تسليما. پروردگارِمن، از عمرمن بگیر وبه امام من، احمدالحسن ع عطاکن. نظرشمادرمورد وضعیتِ فعلیِ منطقه چیست؟ ونقش قائم آل محمد -امام احمدالحسن ع- درمورداتفاقات منطقه چیست؟

،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،،